

دکتر رابرت وانوی ، تاریخ عهد عتیق، درس ۲۹

دکتر رابرت وانوی و تد هیلدبرانت، ۲۰۱۱ ©

کتاب خرما و مصر اثر جوزف

دستورالعمل‌های دوره

این دوره دو قسمتی است، بنابراین بیایید از جایی که در دوره متوقف شدیم، ادامه دهیم. در آن برنامه تکالیف، متوجه خواهید شد که من همان روشی را که در سه ماهه آخر انجام دادیم، دنبال خواهم کرد؛ یعنی، تکالیف خواندنی با تاریخ تحویل جمعه هر هفته وجود دارد. این امکان وجود دارد که برای هر جمعه از آن مطالب آزمون گرفته شود. کتاب‌ها عبارتند از: شولتز، فینگان، و یک کتاب دیگر برای جمعه، ۱۵ آوریل: ادوین آر. نیل، گاهشماری پادشاهان عبری (زوندروان، ۱۹۷۷).

تیله کتاب بزرگی با عنوان «اعداد اسرار آمیز پادشاهان عبری» نوشت که در آن به تحلیل مسئله‌ی زمانی هماهنگی بین طول سلطنت پادشاهان شمال و پادشاهان جنوب پرداخت. این موضوع مدت‌هاست که به عنوان یک مشکل در گاهشماری کتاب مقدس شناخته می‌شود - اینکه چگونه آنها را هماهنگ می‌کنید. زیرا اگر صرفاً کتاب پادشاهان را بردارید و شروع به جمع کردن آنها کنید، خیلی زود از هم تراز می‌شوید. فلانی سال‌ها در شمال و سال‌ها در جنوب سلطنت کرد و سپس نفر بعدی در جنوب در سال خاصی از حکومت پادشاه شمال سلطنت کرد و او سال‌های بسیار بیشتری سلطنت کرد. آنها به این شکل به هم مرتبط هستند. اگر فقط اعداد را همانطور که در متن هستند در نظر بگیرید و سعی کنید آن هماهنگی را پیدا کنید، مشکل‌ساز می‌شود.

تیله احتمالاً بیشتر عمر خود را صرف کار بر روی این مشکل کرده است. او ایده‌های خاصی در مورد روش‌های نگهداری گاهشماری‌ها در جهان باستان، به ویژه در اسرائیل، ارائه داد و برخی از این روش‌ها هر از گاهی تغییر می‌کردند. چیزهایی مانند: سلطنت یک پادشاه از چه زمانی شروع می‌شود؟ به عبارت دیگر، فرض کنید پادشاهی در ماه دسامبر (با استفاده از تقویم ما (به تخت سلطنت می‌رسد. اولین سال سلطنت او چه زمانی است؟ آیا ۱۹۸۷ است یا ۱۹۸۸؟ آیا اولین سال کامل را حساب می‌کنید یا بخشی از سال قبل را به عنوان اولین سال سلطنت او حساب می‌کنید؟ به آن سال الحاق یا سال عدم الحاق می‌گویند. این می‌تواند بسته به اینکه از چه طریقی آنها را حساب کنید، یک سال تفاوت ایجاد کند. چیزهای دیگر مانند حکومت‌های مشترک که در آن یک پادشاه سلطنت می‌کرد و سپس پسرش را برای شروع سلطنت خود منصوب می‌کرد و آنها برای مدتی با هم به سلطنت ادامه می‌دادند؛ همپوشانی وجود خواهد داشت. سپس سوال این است: پایان سلطنت اولین پادشاه را چه زمانی حساب می‌کنید؟ چه زمانی او به طور کامل به سلطنت خود پایان داد یا چه زمانی سلطنت مشترک آغاز شد؟ اینها فقط دو مشکل هستند. در اسرائیل از کدام تقویم برای شروع سال استفاده می‌کنید؟ آیا از تقویم مذهبی استفاده می‌کنید یا تقویم مدنی؟ تقویم‌های مختلفی وجود دارد. عوامل زیادی مانند این وجود داشت. او جزئیات را با فرض موارد خاص، اصولی که تا حد زیادی این مشکلات همگام‌سازی را به صورت زمانی (نه کاملاً، اما تا حد زیادی)

حل می‌کنند، بررسی کرد. آن کتاب یک کتاب بسیار فنی و بسیار طولانی است. کتابی که در برگه تکلیف شما قرار دارد، خلاصه‌ای محبوب از یافته‌های اوست که کتابی کوتاه با سبکی نسبتاً محبوب است. متأسفانه، چند سال پیش چاپ آن متوقف شد، که واقعاً شرم‌آور است زیرا این یک خدمت واقعی برای هدف دوره‌ای مانند این است تا ماهیت آن مشکل گاه‌شماری را درک کند.

با این حال، فکر می‌کنم حداقل دوازده نسخه از آن در کتابخانه در قفسه رزرو وجود دارد. بنابراین، به این جمله توجه کنید: «چندین نسخه در کتابخانه رزرو شده است، از قبل برنامه‌ریزی کنید.» مطالعه آن را تا چهارشنبه هفته ۱۵ آوریل موکول نکنید. ممکن است به آنجا بیايید و متوجه شوید که نمی‌توانید کتابی تهیه کنید. سعی کنید از قبل برنامه‌ریزی کنید، باید نسخه‌های زیادی برای همه وجود داشته باشد.

اما برای بقیه، قرائت‌ها در شولتز هستند، جایی که شما شولتز را خواهید خواند و همچنین کتاب‌های مربوطه در عهد عتیق را خواهید خواند؛ یوشع و داوران برای یازدهم مارس، و سپس داوران و سموئیل نیز؛ این فصل‌های ۶ و ۷ شولتز است. بنابراین وقتی شولتز را می‌خوانید، حتماً بخش مربوطه از عهد عتیق را نیز بخوانید. حالا، من همچنین قصد داشتم امروز بعد از ظهر آن جمله‌ای را که در بخش «مطالعه نقشه» در روز

جمعه، ۱۱ مارس مطرح شد، توضیح دهم. شما باید فردا این کار را انجام دهید، زیرا به اندازه کافی برگه با خودم نیاورده‌ام. کاری که می‌خواهم این هفته انجام دهید، مطالعه نقشه است. این کار چیز پیچیده‌ای نیست. فقط فهرستی از شهرها، رودخانه‌ها، برخی کوه‌ها و مکان‌های جغرافیایی اصلی در فلسطین را که به محض ورود به یوشع و داوران با آنها مواجه خواهید شد، به شما می‌دهم. می‌خواهم آنها را نقشه‌برداری کنید تا ایده‌ای از محل این مکان‌ها داشته باشید، اما آن فهرست را فردا به شما می‌دهم. آن نقشه جمعه این هفته باید تحویل داده شود. همچنین روی آن نقشه، مرزهای قبیله‌ای نیز وجود خواهد داشت. وقتی به بخش پایانی کتاب یوشع می‌رسید، زمین تقسیم شده است و مرزها به هر یک از قبایل اختصاص داده شده است. می‌خواهم بدانید که قبیله یهودا، افرایم، منسی و غیره کجا هستند. در امتحان میان‌ترم یک سوال نقشه وجود خواهد داشت. میان‌ترم ۸ آوریل است. جمعه از شما در مورد نقشه امتحان نمی‌گیرم، احتمال دارد که در مورد متن از شما امتحان گرفته شود. نمی‌گویم که این اتفاق خواهد افتاد، اما این احتمال وجود دارد. در امتحان میان‌ترم یک سوال نقشه خواهم داشت. کاری که انجام می‌دهم این است که یک نقشه با حروف و اعداد روی صفحه نمایش می‌دهم و به شما نام‌هایی می‌دهم و شما باید آنها را با حروف و اعداد مطابقت دهید. و این به ویژه در مورد مناطق قبیله‌ای صدق می‌کند، می‌خواهم بدانید قبایل کجا هستند. باشه؟ یک چیز دیگر: واحد اضافی. شما می‌توانید با خواندن یک یا چند کتاب از کتاب‌های زیر، واحد اضافی

برای دوره دریافت کنید، نمره نهایی شما به میزان مشخص شده پس از عنوان افزایش می‌یابد، هیچ کس نمی‌تواند بیش از ۴/۱۰ نمره واحد اضافی دریافت کند. من چهار کتاب در اینجا فهرست کرده‌ام که سه تا از آنها نوشته والتر کایزر است. کتاب اول نوشته جی. بارتون پین، الهیات عهد عتیق، با ۴/۱۰ نمره است، این کتاب نسبتاً بزرگی است. این کتابی در مورد الهیات عهد عتیق است. هر یک از کتاب‌های کایزر ۲/۱۰ نمره، بنابراین می‌توانید یا

کتاب پین را با چهار نمره بخوانید یا می‌توانید دو کتاب کایزر را با چهار نمره بخوانید یا یکی از کتاب‌های کایزر را با دو/۱۰ نمره واحد اضافی بخوانید تا واحد اضافی بگیرید. اکنون آن واحد اضافی در نمره نهایی شما لحاظ شده است. به عبارت دیگر، هر میانگینی که در پایان ترم بگیرید، شما این کار را انجام داده‌اید و متوجه می‌شوید که برای دریافت این واحد، باید یک بیانیه کتبی به من بدهید که کل کتاب را با دقت خوانده‌اید. این چیزی است که من می‌پرسم. البته برای این موضوع یک مهلت وجود دارد که قبل از پایان ترم است - توجه داشته باشید که 29 آوریل است. به عبارت دیگر، نمی‌خواهم مطالعه خود را در یک یا دو هفته آخر ترم صرف جبران عقب‌ماندگی‌های مطالعاتی اضافی کنید. ترجیح می‌دهم وقت خود را صرف دروس خود کنید. اما اگر این کار را تا 29 آوریل انجام دهید، آن نمره را به شما می‌دهم. شما به من می‌گویید که کل کتاب را خوانده‌اید و آن را با دقت خوانده‌اید؛ فقط صفحات را ورق نزنید و آن را سرسری نخوانید - آن را بخوانید!

این یک سیستم چهار نمره‌ای است. اگر مثلاً در پایان هر سه ماه میانگین ۲.۶۴ داشتید، نمره آنها ۳.۰۴ باشد، آنها را ارتقا می‌داد. البته B- باشد ۳.۰۴، اگر B- ارتقا می‌داد. یا شاید B به C+ می‌شد. که آنها را از بستگی به این دارد که در کجای مقیاس قرار بگیرید، اما به طور کلی تفاوتی مثبت یا منفی ایجاد می‌کند... زندگی یوسف

اهمیت این وقایع در متن تاریخ رستگاری الف. یوسف موقتاً برجسته می‌شود، اگر چه یهودا نسل نسل موعود ۴. است.

اگر خلاصه سخنرانی کلاسی خود را که در سه ماه گذشته استفاده کردیم، پیدا کنید، ما در حال بحث در نشان داده شده است. ما در حال بحث در مورد «زندگی G. مورد «زندگی یوسف» بودیم که در صفحه ۴ با اهمیت این وقایع»: G. نشان داده شده است، و به ۳ می‌رسیدیم. زیر عنوان G. یوسف «بودیم که در صفحه ۴ با در بستر تاریخ رستگاری. «من یک نکته را تحت آن عنوان ذکر کرده بودم و آن این بود که در این بخش از پیدایش ۳۷ تا پایان، یوسف موقتاً برجسته می‌شود، اگر چه یهودا نسل نسل وعده است. و این چیزی است که ما در پایان هفته گذشته قبل از استراحتمان در مورد آن بحث کردیم. بنابراین می‌خواهم در آن نقطه ادامه دهم

ب. بنی اسرائیل متحد می‌شوند و به مصر آورده می‌شوند.

این ب خواهد بود. پس زیر ۳. ما در حال بحث در مورد «اهمیت این وقایع در متن تاریخ رستگاری» هستیم. ب. (بنی اسرائیل متحد می‌شوند و به مصر آورده می‌شوند، جایی که در انزوای جوشن به یک ملت تبدیل می‌شوند.) از طریق یوسف، خاندان یعقوب احیا می‌شود و وحدت به آن خاندان باز می‌گردد. در بخش پایانی پیدایش، چند جمله وجود دارد، زمانی که یوسف خود را به برادرانش آشکار می‌کند و آنها می‌دانند که این مرد، همان کسی که به مصر فروخته بودند، اکنون قدرتمند است، یک حاکم و مطمئناً می‌تواند انتقام بگیرد. او این کار را نمی‌کند. اگر به پیدایش ۴۵، آیه ۴ نگاه کنید، یوسف درست پس از اینکه خود را آشکار می‌کند، می‌گوید: «به

من نزدیک شوید «وقتی این کار را کردند، یوسف گفت»: من برادر شما یوسف هستم، همان کسی که به مصر فروخته‌اید. و اکنون از اینکه مرا به اینجا فروخته‌اید، ناراحت نباشید و از خود خشمگین نشوید. زیرا خدا مرا پیش از شما فرستاد تا جان‌ها را نجات دهد. دو سال است که قحطی در این سرزمین است و پنج سال دیگر شخم زدن و درو کردن نخواهد بود. اما خدا مرا پیش از شما فرستاد تا برای شما در زمین بازمانده‌ای باقی بماند و جان‌های شما را با نجاتی بزرگ نجات دهد. پس شما نبودید که مرا به اینجا فرستادید، بلکه خدا «به عبارت دیگر، این نگرش یوسف از دیدگاه انسانی واقعاً قابل توجه است. او به دنبال انتقام نیست، اما با اتخاذ این نگرش، وحدت را به خاندان یعقوب بازمی‌گرداند. البته این گفته درست زمانی بیان شد که او خود را به برادرانش آشکار کرد. یعقوب هنوز حتی به مصر نیامده بود.

یعقوب و خانواده به مصر نقل مکان می‌کنند

البته، بعداً برادران به خانه می‌روند و یعقوب فرود می‌آید. و تمام خانواده‌اش در مصر هستند و یعقوب در مصر می‌میرد. برادران هنوز خیلی مطمئن نبودند که یوسف با آنها چه خواهد کرد. آیا او فقط می‌خواهد صبر کند تا یعقوب بمیرد و سپس انتقام خود را بگیرد؟ بنابراین در فصل ۵۰ پس از مرگ یعقوب، آیه ۱۵، می‌بینید: «وقتی برادران یوسف دیدند که پدرشان مرده است، گفتند: اگر یوسف از ما کینه به دل بگیرد و تمام بدی‌هایی را که به او کرده‌ایم، تلافی کند، چه؟» بنابراین آنها برای یوسف پیغام فرستادند و گفتند: «پدرت این دستورات را قبل از مرگش گذاشته است، این چیزی است که شما باید به یوسف بگویید: من از تو خواستم که گناهان و خطاهای برادرانت را که در امور گذشته مرتکب شده‌اند، ببخشی. اکنون لطفاً گناهان بندگان خدای پدرت را ببخش.» وقتی پیام آنها به او رسید، یوسف گریه کرد. سپس برادرانش آمدند و خود را در مقابل او به خاک انداختند و گفتند: «ما بندگان تو هستیم» «اما یوسف به آنها گفت: «نترسید. آیا من جای خدا هستم؟» «تو قصد آسیب رساندن به من را داشتی، اما خدا آن را برای خیریت در نظر گرفته بود تا اکنون آنچه را که انجام می‌شود، به انجام برساند - نجات جان بسیاری. پس نترس، من تو و فرزندان را تأمین خواهم کرد.» بنابراین، با این نگرش، خانواده متحد است. به نظر می‌رسد که برادران از گناه خود علیه یوسف توبه می‌کنند و یوسف آنها را می‌بخشد.

به نظر می‌رسد حسادت در رابطه آنها با بنیامین، پسر دیگر راحیل، در مورد بنیامین، پسر راحیل و یهودا برطرف شده است. به یاد داشته باشید، یوسف پسر محبوب پدرش بود و برادران از این موضوع رنجیدند. اما، در این شرایط، برادران بسیار نگران بنیامین، پسر دیگر راحیل، بودند. شما آن تنش لیه/راحیل را در خانواده یعقوب می‌بینید. به نظر می‌رسد که این تنش در این مرحله ادامه داشته است. اما با این وضعیت، آنها بسیار از بنیامین محافظت می‌کنند. وقتی بنیامین مجبور شد به مصر آورده شود، بسیار آشفته شدند.

به یاد دارید که یهودا خود را به عنوان ضامن بنیامین معرفی کرد. به نظر می‌رسد که او در این مورد از

طرف همه آنها صحبت می‌کند. اما در پیدایش ۳: ۴۳، زمانی است که آنها از اولین سفر خود به آنجا بازگشتند و به آنها گفته شد: «برنگردید و دنبال غذای بیشتری نگردید، مگر اینکه بنیامین را با خود بیاورید.» یعقوب نمی‌خواست بنیامین را رها کند زیرا یوسف را از دست داده بود و نمی‌خواست بنیامین را از دست بدهد. بنابراین در پیدایش می‌خوانید: «یهودا به او گفت: آن مرد به ما هشدار جدی داد: تا برادرت با شما نباشد، دیگر روی مرا ۳: ۴۳ نخواهید دید!» اگر برادرمان را بفرستی، ما پایین می‌رویم و برایت غذا می‌خریم، اما اگر او را نفرستی، ما پایین نمی‌رویم، زیرا آن مرد گفت: «تا برادرت با تو نباشد، دیگر روی مرا نخواهی دید.» سپس در آیات ۸ و ۹، یهودا به پدرش، اسرائیل، گفت: «پسر را با من بفرست و ما فوراً خواهیم رفت تا ما و تو و فرزندانمان زنده بمانیم و نمیریم. من خودم امنیت او را تضمین می‌کنم. می‌توانی مرا شخصاً مسئول او بدانی. اگر او را پیش تو برنگردانم و اینجا پیش تو نگذارم، تا آخر عمرم تقصیرش را به گردن تو خواهم انداخت.» بنابراین، یهودا به این ترتیب خود را به عنوان ضامن بنیامین تقدیم می‌کند و وحدت در خانه احیا می‌شود. بنابراین می‌توان گفت هر کسی چیزی می‌دهد. یوسف چیزی می‌دهد، یهودا چیزی می‌دهد، یعقوب چیزی می‌دهد تا اجداد قوم حفظ شوند و به مصر آورده شوند، جایی که به یک ملت تبدیل می‌شوند.

حالا، اوج کل این بخش در پیدایش ۴۴: ۱۸-۳۳ است، فکر می‌کنم آن را بخوانم. این بعد از آن است که آنها بنیامین را بردند و به مصر برگشتند، غذای خود را گرفتند و رفتند، و یوسف آن جام نقره را در کیسه بنیامین گذاشت و سپس تعقیب‌کنندگانشان فهمیدند که آن جام نقره در کیسه بنیامین است. و سپس او را به عنوان زندانی بازگرداندند. در آیه ۱۸ از فصل ۴۴، می‌خوانید: «یهودا نزد او رفت و گفت: ای آقای من، اجازه دهید بندهات با آقایم سخنی بگویم. از بندهات خشمگین مشو، هر چند تو با خود فرعون برابر هستی. آقای من از خدمتکارانش پرسید: «آیا پدر یا برادری دارید؟» «و ما پاسخ دادیم: ما پدری پیر داریم و پسری جوان در سن پیری برایش به دنیا آمده است. برادرش مرده است و او تنها پسر مادرش است و پدرش او را دوست دارد.» سپس تو به خدمتکارانت گفتی: «او را نزد من بیاورید تا خودم او را ببینم.» «و ما به آقایم گفتیم: پسر نمی‌تواند پدرش را ترک کند؛ اگر او را ترک کند، پدرش خواهد مرد.» اما شما به غلامان خود گفتید: «اگر برادر کوچکتان با شما نیاید، دیگر روی مرا نخواهید دید.» «وقتی نزد بندهات، پدرم، برگشتیم، آنچه را که آقایم گفته بود به او گفتیم. آنگاه پدرمان گفت: «برگردید و کمی آنوقه بخرید.» اما ما گفتیم: «ما نمی‌توانیم برویم. فقط اگر برادر کوچکمان با ما باشد، می‌رویم. ما نمی‌توانیم روی آن مرد را ببینیم، مگر اینکه برادر کوچکمان با ما باشد.» بندهات، پدرم، به ما گفت: شما می‌دانید که همسر من دو پسر برای من به دنیا آورد. یکی از آنها از من جدا شد و من گفتم: «او مطمئناً تکه‌تکه شده است و از آن زمان او را ندیده‌ام. اگر این یکی را نیز از من بگیرد و آسیبی به او برسد، موی سفید مرا با بدبختی به گور خواهید برد.» «پس اکنون، اگر وقتی نزد بندهات، پدرم، برگردم، پسر با ما نباشد، و اگر پدرم که زندگی‌اش به زندگی پسر گره خورده است، ببیند که پسر آنجا نیست، خواهد مرد. بندگان موی سفید پدرمان را با اندوه به گور خواهند برد. بندهات سلامت پسر را برای پدرم تضمین کرد. گفتیم: «اگر او را پیش تو بازنگردانم، تا

آخر عمرم در حضور تو، ای پدرم، سرزنش خواهم شد «!پس حال، لطفاً اجازه دهید بنده‌تان به جای پسر، به عنوان برده‌ی آقایم اینجا بماند و پسر با برادرانش برگردد. چگونه می‌توانم پیش پدرم برگردم اگر پسر با من نباشد؟ نه! نگذار بدبختی‌ای را که بر پدرم نازل می‌شود، ببینم. این تصویری بسیار دراماتیک است، جایی که یهودا خود را نشان می‌دهد و التماس می‌کند که به جای بنیامین قرار گیرد تا بنیامین آنجا نگه داشته نشود.

برداشت آلتز از روایت‌های یوسف

در این کتاب، فکر می‌کنم در اوایل دوره به «هنر روایت کتاب مقدس» نوشته رابرت آلتز اشاره کردم. آلتز یکی از طرفداران این رویکرد جدید به اصطلاح ادبی در تحلیل روایت عهد عتیق است. برخی از جنبه‌های این کتاب خوب و برخی بد هستند. اما، در ارتباط با این متن، او نکات جالبی را مطرح می‌کند که فکر کردم برای شما بخوانم. او می‌گوید: «با توجه به تمام آنچه که در مورد داستان یوسف دیده‌ایم «...- این در صفحه ۱۷۴ کتاب هنر روایت کتاب مقدس» نوشته آلتز آمده است: «با توجه به تمام آنچه که در مورد داستان یوسف و برادرانش» دیده‌ایم، باید روشن باشد که این سخنرانی قابل توجه، از نظر اخلاقی و روانشناختی، نقض قبلی پیوندهای پدری و فرزندی توسط برادر را به طور کامل خنثی می‌کند. یک برداشت اساسی کتاب مقدس در مورد روابط انسانی و روابط بین خدا و انسان این است که عشق غیرقابل پیش‌بینی، خودسرانه و گاهی اوقات، شاید به ظاهر ناعادلانه است و یهودا اکنون به پذیرش این واقعیت با تمام پیامدهای آن می‌رسد. او به وضوح به یوسف می‌گوید که پدرش، همانطور که قبلاً پسر دیگر را حیل را انتخاب کرده بود، بنیامین را به خاطر عشق ویژه‌ای که به او داشت، انتخاب کرده است. این یک واقعیت دردناک از جانبداری است که یهودا، برخلاف حسادت قبلی نسبت به یوسف، در اینجا با آن آشتی می‌کند. از روی وظیفه فرزندی و بیشتر از روی عشق فرزندی. تمام سخنان او از عمیق‌ترین همدلی برای پدرش، توسط یک... درک واقعی از معنای پیوند زندگی پیرمرد با زندگی پسرش. او حتی می‌تواند با دلسوزی آیه ۲۷، گفته‌های معمولاً اغراق‌آمیز یعقوب مبنی بر اینکه همسرش دو پسر برایش به دنیا آورده است را نقل کند [حالا ببینید، این است]: «می‌دانید، همسر من دو پسر برای من به دنیا آورد.» یعقوب می‌گوید [انگار لیه همسر او نبود و ده نفر دیگر پسران او نبودند! بیست و دو سال قبل، یهودا فروش یوسف به بردگی را برنامه‌ریزی کرد، اکنون او آماده است تا خود را به عنوان برده عرضه کند تا پسر دیگر را حیل آزاد شود. بیست و دو سال قبل، او در کنار برادرانش ایستاده بود و در سکوت تماشا می‌کرد که پیراهن خونین آنها برای یعقوب، پدرش را به چاه غم و اندوه انداخت. اکنون او حاضر است هر کاری انجام دهد تا دیگر مجبور نباشد پدرش را به آن شکل رنج بکشد. بنابراین، شما برعکس وضعیت قبلی را می‌بینید.

بنابراین، من فکر می‌کنم آنچه که ما می‌بینیم، تا آنجا که به عنوان یک دیدگاه تاریخی رستگاری در حرکت این روایت‌ها است، این است که بنی‌اسرائیل متحد می‌شوند، به مصر آورده می‌شوند، جایی که در انزوای جوشن، تا آنجا که من می‌دانم، واقعاً نمی‌دانیم یوسف چه مدت در مصر بوده است قبل از اینکه یعقوب به مصر بیاید. ما

می‌دانیم که هفت سال قحطی، هفت سال کم‌آبی و هفت سال پرآبی وجود داشته است. می‌توان گفت وقتی قحطی بالا گرفت، ۱۴ سال بوده است، اما نمی‌دانیم او چه مدت در زندان بوده است. او چند سال در زندان بود. او قبل از اینکه به زندان برود چه مدت آنجا بود؟ ما دقیقاً نمی‌دانیم. آیا گفته شده است که او ۱۷ ساله بوده است وقتی به آنجا رفته است؟ به نظر من تقریباً ۲۰ سال تخمین معقولی است قبل از اینکه یعقوب به مصر بیاید تا دوباره به یوسف بپیوندد.

یوسف چه زمانی وارد مصر شد؟ فرعون بی‌نام ۴.

بسیار خوب، شماره ۴ این است: «یوسف چه زمانی وارد مصر شد؟» البته این به سوالی که به زودی به آن خواهیم پرداخت مربوط می‌شود و آن تاریخ خروج است، اما در این مرحله خود یک سوال است. وقتی در فصل ۳۹، آیه ۱ می‌خوانید: «و یوسف به مصر برده شد. فوطیفار مصری، که یکی از مأموران فرعون و رئیس گارد بود، او را از اسماعیلیانی که او را به آنجا برده بودند، خرید.» مشکل این است که نام فرعون را به ما نمی‌گوید. ببینید، در پیدایش ۳۹:۱ فقط می‌گوید: «فوطیفار، یک مصری که یکی از مأموران فرعون بود.» و این نه تنها در پیدایش، بلکه در فصل‌های اولیه خروج نیز مشخص است. در آنجاست که از حاکم مصری صحبت می‌شود، او فقط با عنوان «فرعون» یاد می‌شود و هیچ نامی برده نمی‌شود. به همین دلیل است که ربط دادن مستقیم این موضوع به تاریخ مصر که می‌تواند یک تاریخ قطعی به ما بدهد، بسیار دشوار است. فرعون که بود؟

تاریخ آمدن ابراهیم و یوسف به مصر

خب، ما واقعاً نمی‌دانیم. اگر با تاریخ زمانی کتاب مقدسی آن کار کنیم، کمی پیچیده می‌شود، اما ما واقعاً بیشتر این موارد را در رابطه با بحثمان در مورد پدران مقدس بررسی کرده‌ایم. به یاد داشته باشید که گفتیم تاریخ پدران مقدس بر دو متغیر استوار است. و این دو متغیر تاریخ خروج و خروج ۱۲:۴۰ هستند. چه متن ماسورتیک را در نظر بگیرید و چه متن سپتواجینت را، که به این معنی است که آیا اسرائیل ۴۳۰ سال در مصر بوده است یا سال؟ اما خلاصه‌ای از مطالب مربوط به دوران پدرسالاری به این موارد بستگی دارد: ۱ (تاریخ خروج ۲۱۵ یا ۱۲۹۰ قبل از میلاد باشد و ۲ (آیا در خروج ۱۲:۴۰ از متن ماسورتیک پیروی کنیم یا سپتواجینت. آیا ۱۴۴۶ ابراهیم ۴۳۰ سال قبل از خروج وارد کنعان شد یا ۶۴۵ سال قبل از خروج؟ احتمالات برای دوره پدرسالاری این است که تاریخ‌های اولیه برای خروج و متن ماسورتیک ۲۰۹۱ قبل از میلاد را برای تولد ابراهیم در نظر بگیریم، یا تاریخ‌های متاخر برای خروج و متن ماسورتیک ۱۹۳۵ قبل از میلاد را برای تولد ابراهیم در نظر بگیریم. حال، اگر آن ارقام، ۲۰۹۱ و ۱۹۳۵ را در نظر بگیرید، که به نظر من محتمل‌ترین دو رقم هستند، این با فرض متن ماسورتیک در خروج ۱۲:۴۰ است، و این یعنی یا تاریخ خروج زودتر یا دیرتر است.

بنابراین، اگر رقم ۲۰۹۱ پیش از میلاد یا رقم ۱۲۹۰ را در نظر بگیرید، به این صورت عمل می‌کنید.

یوسف چه زمانی وارد مصر شد؟ اگر تاریخ ۲۰۹۱ پیش از میلاد را در نظر بگیرید، یعنی ۲۱۶۶ پیش از میلاد

تاریخ تولد ابراهیم است. دلیل آن این است که ابراهیم هنگام ورود به کنعان ۷۵ سال داشت. سپس ۱۶۰ سال را در نظر بگیرید که یعقوب پس از ابراهیم متولد شده است. ما قبلاً به این موضوع نگاه کرده‌ایم، شما باید سن ابراهیم، اسحاق و یعقوب را ردیابی کنید، که می‌توانید این کار را انجام دهید. متوجه می‌شوید که یعقوب ۱۶۰ سال پس از ابراهیم متولد شد. یعقوب هنگام ورود به مصر ۱۳۰ سال داشت. ما این را در پیدایش ۴۷:۹ می‌بینیم. جایی که می‌خوانید: «یعقوب به فرعون می‌گوید: 'سال‌های زیارت من ۱۳۰ سال است. سال‌های من کم و دشوار بوده است'... و غیره. اگر فرض کنید که یوسف تقریباً ۲۰ سال در مصر بوده است، بنابراین ۲۰ را از آن کم کنید، عدد ۲۷۰ به دست می‌آید، وقتی ۲۷۰ را از ۲۱۶۶ قبل از میلاد کم کنید، سال ورود یوسف به مصر ۱۸۹۶ قبل از میلاد می‌شود. بنابراین، بر اساس این دوره نامعلوم از مدت زمانی که یوسف در مصر بوده است، این می‌تواند چند سال به اضافه یا منهای سال باشد. اما تقریباً ۱۸۹۶ قبل از میلاد، بر اساس دیدگاه تاریخ اولیه خروج، زیرا این رقم تاریخ شروع زودتری را برای خروج فرض می‌کند.

حال، اگر تاریخ متأخر خروج را در نظر بگیرید و با آن رقم ۱۹۳۵ پیش از میلاد کار کنید، همان کار را انجام می‌دهید. عدد ۱۶۰، ۱۳۰ را منهای ۲۰، که می‌شود ۲۷۰؛ و عدد ۲۷۰ را از ۲۰۱۰ پیش از میلاد کم کنید، سال ۱۷۴۰ پیش از میلاد به عنوان سال ورود یوسف به مصر به دست می‌آید. بنابراین این‌ها در واقع دو احتمال شما هستند که با داده‌های کتاب مقدس در مورد طول عمر پدران قوم کار می‌کنید.

تاریخ آمدن یوسف به مصر و ورود هیکسوس‌ها

بسیار خوب، پیامدهای این دو تاریخ چیست؟ ۱۸۹۶ پیش از میلاد در مقابل ۱۷۴۰ پیش از میلاد؟ اگر تاریخ متأخر، یعنی تاریخ ۱۸۹۶ را در نظر بگیرید، یوسف در دوره سلسله دوازدهم مصر قرار می‌گیرد که یک سلسله بومی مصری بود. سلسله دوازدهم از سال ۱۹۹۱ تا ۱۷۸۶ پیش از میلاد سلطنت کرد. اگر تاریخ بعدی، یعنی ۱۷۴۰ پیش از میلاد، را در نظر بگیریم، یوسف در زمان هیکسوس‌ها قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که این سوال تا حدودی مورد توجه است. هیکسوس‌ها آن دسته از حاکمان خارجی بودند که برای مدتی به مصر آمدند و کنترل آن را به دست گرفتند. عموماً حدود ۱۷۵۰ تا حدود ۱۵۷۰ پیش از میلاد تاریخ‌گذاری شده‌اند، اگرچه تاریخ دقیق دوره هیکسوس‌ها به دلیل فقدان داده‌های تاریخی معتبر تا حدودی مبهم است. اما به طور کلی آنها را تا ۱۵۷۰ پیش از میلاد قرار می‌دهند. بنابراین می‌بینید که ۱۷۴۰ پیش از میلاد اندکی پس از به قدرت ۱۷۵۰ رسیدن هیکسوس‌ها خواهد بود. اگر این تاریخ درست باشد.

حال، این ایده که اسرائیل، یا بهتر بگوییم یعقوب و خانواده‌اش، یوسف، در زمان هیکسوس‌ها به مصر آمدند، ایده‌ای بسیار قدیمی است. یوسفوس می‌گوید که سلسله هیکسوس‌ها در مصر حکومت می‌کرده است، زمانی که یوسف در دربار فرعون به مقام نخست‌وزیری رسید. این در یوسفوس یافت می‌شود، نه اینکه این یک مرجع بسیار خوب باشد، زیرا در همان زمینه‌ای که یوسفوس می‌گوید، او سپس هیکسوس‌ها را با بنی اسرائیل یکی

می‌داند. او احساس می‌کند که اخراج هیکسوس‌ها باید با خروج یکی دانسته شود. این قطعاً از نظر تاریخی دقیق نیست. اما کاری که یوسفوس هنگام صحبت در مورد ورود یوسف به مصر در زمان هیکسوس‌ها به آن علاقه‌مند است، اثبات قدمت یهودیان است و او از این نوع استدلال تاریخی استفاده می‌کند.

آنچه ما در مورد هیکسوس‌ها می‌دانیم، اطلاعات زیادی نیست. آنها مهاجمان آسیایی بودند که حدود سال قبل از میلاد به قدرت رسیدند، اگرچه زمان دقیق آن مشخص نیست، اما تقریباً ۱۷۵۰ سال قبل از ۱۷۵۰ میلاد مسیح. آنها برای چند قرن حکومت کردند. مورخ مصری، مانتو، که در فینگان درباره او می‌خوانیم، مورخی از حدود ۲۵۰ سال قبل از میلاد مسیح بود. او معنی نام «هیکسوس» را «پادشاهان چوپان» توضیح می‌دهد. احتمالاً قبلاً این را شنیده‌اید؛ هیکسوس‌ها «پادشاهان چوپان» بودند. مانتو احساس می‌کرد که کلمه هیکسوس «به معنای» شاه چوپان «است. با این حال، ریشه‌شناسی این اصطلاح «هیکسوس» بسیار مورد بحث است. اکثر محققان امروز آماده پذیرش توضیح مانتو در مورد معنی این اصطلاح به عنوان «شاه چوپان» نیستند. اکثر محققان امروز فکر می‌کنند که این اصطلاح به معنای «حاکمان خارجی» یا «حاکمان سرزمین‌های خارجی» است. اما در هر صورت، شما این هیکسوس‌ها را داشتید که در آن دوره زمانی خاص در مصر حکومت می‌کردند. همیشه این سوال مورد توجه بوده است که آیا یوسف در اوایل حکومت هیکسوس‌ها به قدرت رسید یا اینکه پیش از آن و تحت حکومت یک سلسله بومی مصری به قدرت رسید. اگر تاریخ زودتر خروج را در نظر بگیرید، تاریخ قبل از هیکسوس‌ها را انتخاب خواهید کرد.

مصر سفلی در منطقه دلتا قرار دارد. مصر علیا منطقه بالایی نیل است که روی نقشه پایین است؛ برعکس آن. مشخص است که هیکسوس‌ها مرکز و پایتخت خود را در منطقه دلتا داشتند. بنابراین، دوباره، این موضوع درست است. این یکی از استدلال‌هایی است که یوسف را به هیکسوس‌ها مرتبط می‌کند، زیرا هیکسوس‌ها در آنجا در دلتا متمرکز بودند. حاکمان بزرگ مصری پایتخت‌های خود را در جنوب قرار داده بودند.

استدلال‌هایی برای آمدن یوسف در طول سلطنت هیکسوس‌ها در مصر

البته اینکه یوسف با هیکسوس‌ها یا قبل از هیکسوس‌ها آمده باشد یا نه، تا حدودی بر وقایع خروج و ستم‌هایی که با خروج مرتبط بودند، تأثیر می‌گذارد. این یک موضوع مورد بحث است. انواع استدلال‌هایی که برای حمایت از یک موضع یا موضع دیگر استفاده می‌شوند، جدا از مطالب زمانی، تعیین‌کننده نیستند. فکر نمی‌کنم واقعاً بتوانید آن را حل کنید. بگذارید فقط ایده‌ای از انواع استدلال‌ها به شما بدهم.

کسانی که طرفدار به قدرت رسیدن یوسف در دوران حکومت هیکسوس‌ها هستند، که این تاریخ متأخر خواهد بود، برخی از استدلال‌های زیر را مطرح می‌کنند: در پیدایش ۴۷:۱۷، به اسب‌ها اشاره شده است. در آنجا می‌خوانید: «آنها دام‌های خود را نزد یوسف آوردند و او در ازای اسب‌ها، گوسفندان، بزها، گاوها و الاغ‌هایشان به آنها غذا داد.» حال، عموماً اعتقاد بر این است که هیکسوس‌ها اولین کسانی بودند که اسب‌ها را به مصر وارد

کردند - اینکه قبل از هیکسوس‌ها اسبی در مصر وجود نداشت. بنابراین استدلال این است که در اینجا از اسب‌ها نام برده شده است، این باید در زمان هیکسوس‌ها باشد.

استدلال دیگر، همانطور که بعداً خواهید دید، در خروج ۱:۸ آمده است، و این استدلال دو طرفه است. خروج ۱:۸ می‌گوید: «سپس پادشاه جدیدی که یوسف را نمی‌شناخت، در مصر به قدرت رسید. او به قوم خود گفت: «ببینید، بنی‌اسرائیل از ما بسیار زیاد شده‌اند» «و غیره». پادشاه جدیدی که یوسف را نمی‌شناخت» گفته می‌شود که این گفته به بهترین وجه به عنوان یک حاکم بومی مصری که پس از اخراج هیکسوس‌ها به قدرت رسید، توضیح داده می‌شود. در ارتباط با این موضوع، گفته می‌شود که این ممکن است سکوت منابع مصری در مورد یوسف و کار او را هنگامی که او در مصر به چنین جایگاه برجسته‌ای رسید، توضیح دهد. هیچ اثری از این موضوع در هیچ یک از سوابق مصری وجود ندارد. بنابراین فرض بر این است که او در زمان هیکسوس‌ها به قدرت رسید، وقتی مصریان بومی بازگشتند، آنها فقط تاریخ دوره هیکسوس را از بین بردند. ما تقریباً هیچ چیزی در مورد دوره هیکسوس نمی‌دانیم زیرا مصریان تمام آثار آن را از بین بردند.

سومین استدلال همان چیزی است که دقایقی پیش به آن اشاره کردم؛ به نظر می‌رسد فرعون زمان یوسف در منطقه دلتای نیل، نزدیک سرزمین گوشن، اقامت داشته است. و آنجا جایی است که یوسف به همراه خانواده‌اش پدر و برادرانش - ساکن شدند. هیکسوس‌ها پایتخت خود را داشتند و حکومت خود را از منطقه دلتا اعمال - می‌کردند. بنابراین این یک استدلال است.

چهارم، گفته می‌شود که احتمال بیشتری وجود دارد که تحت حکومت هیکسوس‌ها، یک سامی مانند یوسف بتواند به مقام والایی که او به آن دست یافت، دست یابد. به عبارت دیگر، او یک خارجی بود، نه یک مصری. احتمال اینکه کسی مانند یوسف در زمانی که حکومت خارجی در مصر وجود داشت، به آن مقام برجسته برسد، بیشتر از زمانی بود که حکومت بومی مصری وجود داشت.

سپس در پیدایش ۱:۳۹ می‌خوانید: «یوسف توسط فوطیفار مصری که یکی از مأموران فرعون بود به مصر برده شد. رئیس نگهبانان او را از اسماعیلیانی که او را به آنجا برده بودند، خرید.» در آنجا آمده است: فوطیفار مصری. «نکته‌ای که مطرح می‌شود این است که این توصیف، یا آن عنوان برای مصری بودن فوطیفار» فقط در دوره هیکسوس قابل درک است، زمانی که خود فرعون از تبار مصری نبود. به عبارت دیگر، چرا باید قید «مصری» را اضافه کنید؟ به نظر می‌رسد که این یک استثنا است. او چه چیز دیگری می‌توانست باشد؟ او در مصر است! انتظار می‌رود که فقط بگوید «فوطیفار». «اما اگر در دوره هیکسوس باشد، چیزی منحصر به فرد می‌بینید. این فوطیفار است که واقعاً مصری است. مطمئناً به هیچ وجه استدلال قطعی نیست. بنابراین، هیچ یک از این استدلال‌ها، حتی اگر استدلال‌های قابل قبولی باشند، واقعاً قطعی نیستند. آنها شما را به این نتیجه نمی‌رسانند که او باید در زمان هیکسوس‌ها آنجا می‌بوده است.

می‌بینم که وقتم تمام شده، بنابراین در ساعت آینده به این استدلال‌ها از زاویه دیگری برای آمدن یوسف به مصر قبل از هیکسوس نگاه خواهیم کرد.

رونویسی توسط داون سیانسی
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط ماریا کنستانتین
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت